

دولت‌هایی مثل آمریکا و یا فرانسه، عملاً شهروندان آن‌ها منعی برای ورود به کشور ایران ندارند، چون آن‌ها دشمن نیستند؛ اما شهروندان رژیم صهیونیستی حق ورود به کشور ایران را ندارند؛ چون شهروندان آن‌ها دشمن هستند، به کشور ایران راه نخواهد یافت. بین آن شهروندی که می‌داند و علم دارد که این کشور غصب است، علم دارد که در خانه دیگران نشسته است، علم دارد که دیگری زندگی می‌کندد و این‌ها خانه‌های آن‌ها را غصب کرده‌اند، تفاوت است و طبیعاً با این غاصب نمی‌توان معامله شهروند عادی کرد.

به نکته مقام معظم رهبری اشاره کنم که می‌فرمایند: این رژیم صهیونیستی یک کشور نیست؛ بلکه یک پادگان است. وقتی یک پادگان است، طبیعتاً آن چیزی که در پادگان قرار دارد، حکم دشمن تلقی می‌شود؛ ولو این‌که در آن کودک هست، زن و پیرزن هست. در عین حال که اگر رژیم صهیونیستی را پادگان تلقی کنیم و همه را هم دشمن تلقی کنیم. باز هم در جنگ اخلاق جنگی و حقوق بشردوستانه اجازه نمی‌دهد که به‌صورت خاص، افراد ناتوان را مورد حمله قرار دهند و از بین ببرند یا به این‌ها آزار و اذیت مضاعف برسانند که طبیعتاً در این جنگ اخیر هم، این اتفاق نیفتاد و طبیعتاً کسی هم این مبنا را توجیه نمی‌کند.

در طرف مقابل، در منطق رژیم صهیونیستی، این منطق نهاده‌بنه شده است که مسلمانان و اعراب باید کشته شوند. آمار و اعداد و فیلم‌ها و تصاویرشان فراوان است؛ اما درخصوص رفتار مبارزان مسلمان فلسطینی، قدری بزرگنمایی صورت گرفته است؛ لکن واقعیت آن چیزی نیست که آن‌ها دارند، نسبت به آن مظلوم‌نمایی می‌کنند؛ بلکه فضای تبلیغاتی صهیونیست‌ها، عملاً درحال عوض شدن جای ظالم و مظلوم است.

«**در پایان اگر نکته‌ای هست بفرمایید.**

● نکته‌ای که در نهایت می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که در فقه ما نه‌تنها ناظر به رژیم صهیونیستی، حتی در سایر جنگ‌ها، حکمی به‌نام تنزیس داریم. حکم تنزیس به این معناست که اگر مسلمانی در جبهه جنگ باشد و دشمن از این مسلمان به‌عنوان سپر انسانی استفاده کند و او را جلوی تانک یا ماشینش بگذارد و بخواهد به واسطه او جلوی نفوذ سپاه اسلام را بگیرد، برای حفظ نظام و برای شکست دادن دشمن، حتی ریختن خون این شخص و از بین بردن او مجاز اعلام می‌شود؛ به‌خاطر این‌که اگر این اتفاق نیفتد، طبیعاً آن جبهه نبرد سقوط می‌کند و امکان پیروزی از بین می‌رود و سوءاستفاده دشمن حاصل می‌شود. طبیعتاً این‌گونه نیست که خون این شخص مباح باشد؛ بلکه در قالب ضرورت و اضطرار اتفاق می‌افتد و طبیعاً در مرحله بعد، نسبت به فرد مسلمانی که به‌عنوان سپر انسانی استفاده شده است، بیت‌المال باید دیه او را هم بدهد و محترم هم خواهد بود؛ ولو به اضطرار ممکن است، حکم قتل برای او صادر شود.

در خصوص رژیم صهیونیستی با توجه به این‌که اگر حمله‌ای از طرف فلسطینی‌ها صورت نگیرد، صورت مسئله غصب همچنان باقی خواهد ماند و در فضای مذاکرات این‌ها هیچ‌گاه به خانه‌شان نخواهند رسید و طرف مقابل هم، رژیم صهیونیستی این است که عملاً نسبت به قواعد بین‌المللی تمکین نمی‌کند و از مواضع غاصبانه خویش حتی نسبت به تصمیم‌های نظام سلطه بین‌المللی هم تمکین نمی‌کند و نسبت به آن‌ها گردن نمی‌نهد، چاره‌ای جز جنگ مسلحانه نیست و استفاده از ابزار نظامی و قانونی و عرفی نیست که طبعاً در جنگ اخیر هم استفاده شده و این حق مشروع در حقوق بین‌الملل هم، به رسمیت شناخته شده است و طبیعاً این‌ها از آن استفاده می‌کنند و چاره‌ای هم جز این نیست؛ چون بحث دفاع مشروع جز به‌واسطه این کار حاصل نمی‌شود. آنهایی که رفتار مبارزان فلسطینی را خدایا نکرده ذیل ظلم و ستم، تفسیر می‌کنند، باید استحضار داشته باشند که به ماجرا به‌صورت کامل نگاه کنند؛ چون رژیم صهیونیستی نه فقط سرزمین فلسطین را غصب کرده؛ بلکه عده زیادی را هم در محدوده قضیّتی به‌نام باریکه غره، محدود و زندانی کرده و آنها را از بسیاری از حقوقشان محروم کرده است. این افراد، در قالب مبارزه مشروع از حق اصلی خود دفاع می‌کنند و حصول به آن‌ها خود را که جز به‌واسطه نبرد، حاصل نمی‌شود، پیگیری می‌کنند.

در عین حال، رفتار غیراخلاقی از خود بروز نمی‌دهند و اماکن اختصاصی افراد غیرمسلح و ناتوان را مورد حمله قرار نمی‌دهند؛ اما نظام سلطه به‌واسطه ابزار تبلیغات، آنها را ظالم، تلقی می‌کند؛ این درحالی است که غاصبان، نه فقط از استمرار غصب خویش دفاع می‌کنند و نسبت به استمرار ظلم، تأکید می‌کنند؛ چنانکه نخست‌وزیر موجود رژیم صهیونیستی، در نشستی در کنار وزیر خارجه وقت آمریکا (هیلاری کلینتون)، بر تکثیر تلفات انسانی در محیط‌های غیر نظامی تأکید کرده و تصریح به ضرورت حمله به کودکان، حمله به مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مساجد و … کرده و به آن افتخار می‌کنند. خارصه کلام این‌که ضمن اینکه مقابله با دشمن ظالم و غاصب، در منطق جهانی، مفروض و پسندیده شده است، اخلاق در جنگ آری، حقوق بشردوستانه در جنگ آری؛ اما گستره دفاع مشروع و آن چیزی که در دفاع مشروع چه در فقه ما و چه در حوزه حقوق بین‌الملل وجود دارد، به رسمیت شناخته شده است، نه‌تنها مجاز است؛ بلکه لازم است که کشورها برای تضمین سرنوشت خودشان، نسبت به ظالم و نسبت به غاصب، حقوق خودشان را ایفا کنند و دشمن را به عقب برانند. ان‌شاءالله.



گستره فقه و حقوق بین‌الملل اجازه دفاع را به مردم فلسطین می‌دهد

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی رئیس پژوهشگاه نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، حملات تدافعی جبهه مقاومت اسلامی فلسطین به سرزمین‌های اشغالی و همچنین جنایات اسرائیل در حملات گسترده به غزه بهانه‌ای شد تا حجت‌الاسلام والمسلمین سیدسجاد ایزدهی رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه در گفت‌وگویی، به بررسی مباحث مربوط به فقه و حقوق بین‌الملل پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.



صهیونیستی وشهروندان دیگر کشورها نیست؟

● از حیث موضوع‌شناسی، باید در نظر داشت که شهروندان رژیم صهیونیستی چه زن و چه مرد، همه سرباز آن کشور هستند؛ یعنی باید به سربازی بروند و حتی اگر زمان سربازی‌شان تمام شد، تا سنین میان‌سالی همه باید به خدمت فراخوانده شوند و اگر به خدمت فراخوانده شدند، باید شرکت کنند یا در دوره احتیاط باید شرکت کنند. الاّ آن هم همین حکایت وجود دارد؛ لذا چون زن و مرد این‌ها آموزش نظامی می‌بینند و عملاً در قبال فلسطینی‌ها می‌جنگند، طبیعاً همین شهروندانی که به‌صورت ظاهر شهروند هستند؛ اما عملاً این‌ها نیروی نظامی بالغ‌عل و یا بالقوه هستند؛ لذا نمی‌توان این‌ها را به‌عنوان شهروند عادی غیرمسلح تلقی کرد. در عین حال ما در همین ایام هم می‌بینیم که نیروهای فلسطین، عملاً غیرمسلحین را به‌صورت خاص نرزدند و یا مواردی وجود داشته که زن و یا کودک بوده است، طبق مصاحبه خود این صهیونیست‌ها، مبارزان حماس یا این‌ها کار نداشتند و عملاً آن‌ها را در معرض آزار و اذیت و ظلم و یا جرح قرار ندادند و طبیعتاً به آن مقداری که این مردم فلسطین باید موشکی شلیک کنند، انجام داده‌اند و طبیعاً فلسطینی‌ها مثل ایران، موشک‌های نقطه‌زن ندارند که فقط به‌همان قسمت شلیک شود و یا نقطه‌زنی آنجا مناطقی را شامل می‌شود که آن مناطق مشروع، این افراد، هدف مستقل کشتن قرار نمی‌گیرند. و به‌همین اعتبار، این رفتارها طبق آمارهای بین‌المللی، ذیل دفاع مشروع قرار می‌گیرد؛ مگر این‌که به‌صورت خاص بروند و مثل رژیم صهیونیستی رفتار کرده و فقط کودکان را بکشند، مدارس را بزنند، بیمارستان را بزنند، مساجد را بزنند که طبیعتاً این‌ها در هر جنگی ممنوع است و این‌ها از منطقه تجاوز طبیعتاً باید خارج شوند.

با وجود این‌که ما در سرزمین‌های اشغالی هم، می‌توانیم به افرادی اشاره کنیم که این افراد عملاً شهروند هستند، توانی برای جنگ ندارند و به‌تعبیری دست به اسلحه نمی‌برند؛ اما چون شهروندان رژیم صهیونیستی، شریک در غصب هستند و عملاً به‌واسطه غصب سرزمین فلسطینیان در آنجا زندگی می‌کنند؛ لذا لذا نمی‌توان این‌ها را به‌عنوان شهروند عادی بی‌گناه تلقی کرد.

من فقط می‌خواهم به یکی، دو مورد اشاره کنم که مرحوم امام خطاب به فتحی شقاقی چنین تعبیری دارد که «بهود مهاجر به فلسطین، با بهود سایر کشورها فرق می‌کند. مهاجران یهودی مسلح یا غیرمسلح و دولتی یا غیردولتی، همگی غاصب و دشمن هستند. طبعاً حکم دشمن بر آن‌ها بار می‌شود نه حکم شهروند.

استحضار دارید که امروزه دولت‌هایی که با جمهوری اسلمی ایران مشکل دارند و در عداد دشمن قرار می‌گیرند،

طبعاً فارغ از نص و فارغ از ملاک محوریت نص، دلیل عقل حکم می‌کند که در قبال ظلم باید مبارزه کرد و حق را گرفت؛ چون حق گرفتنی است و حق دادنی نیست. حق در زمین مذاکره به دست نمی‌آید؛ مخصوصاً نسبت به کسی که جائز، ظالم و غاصب است و از روی علم، به غصب تن داده است و به‌تعبیری آن آیه قرآن می‌گوید: ﴿أَوَلَيْدُنِیْ یُتَاتِلُوْنَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُواْ وَ إِنْ اَللّٰهُ عَلَیْ نَصْرِهِمْ لَقَدْیَرِیْ. این‌که کسی مظلوم واقع شده است، به مظلوم اذن قتال داده می‌شود، برای این‌که از ظلم درآید. در صدر اسلام، عملاً این حکایت محقق بود و مردم مکه که مهاجر بودند و از سرزمین خودشان هجرت کردند و به‌تعبیری از ظلم آن‌ها فرار کردند، طبیعتاً باید به سرزمین خودشان برگردند و حق خودشان را بگیرند و گذر زمان هم، این قضیه رافنی نمی‌کند.

«**به‌لحاظ قوانین شرع، آیا در حوزه جنگ، هر عملی را می‌توان انجام داد یا خیر؟**

● یک قاعده کلی وجود دارد و آن هم این است که جنگ، توجیه کننده ظلم مضاعف نیست؛ یعنی در جنگ نمی‌توان مثله کرد، در جنگ نمی‌توان پیرمرد و پیرزن را کشت، نمی‌توان طفل کشت، شکنجه نمی‌توان کرد. تنها چیزهایی توجیه‌کننده است که که لازمه جنگ باشد. اما در سوی مقابل، ما با چیزی به‌نام دفاع مشروع مواجه هستیم. در دفاع مشروع اموری که به‌صورت عادی مورد انکار قرار می‌گیرد، در دفاع مشروع توجیه می‌شود. به‌عبارت دیگر در برخی از موارد، اگر قرار شود، جنگ محقق شود و دشمن از غصب دست بکشد، باید رفتاری کرد که ممکن است، در حکم اولی این رفتار، جواز نداشته باشد. مثلاً ممکن است در یک جنگ از موشک، توپ و یا تانکی استفاده شود و در کنار این حمله، عده‌ای هم که در فضای جنگ مخلوط هستند، آن‌ها هم از بین بروند؛ چون اصالتاً کشتن بچه و پیرزن و پیرمرد به‌صورت مستقل، مجاز نیست؛ اما اگر به‌واسطه جنگ در جایی که چاره‌ای جز این کار نیست که اگر شما بخواهید موشک بزنید، در این فضا آن‌ها (بچه‌ها، پیرها و …) هم وجود دارند، طبیعتاً در دفاع مشروع، این افراد، هدف مستقل کشتن قرار نمی‌گیرند. این را با رژیم صهیونیستی مقایسه کنید که رسماً نخست‌وزیر آن‌ها اعلام می‌کند که ما مدارس را می‌زنیم، مساجد را می‌زنیم، بیمارستان‌ها را می‌زنیم، کودکان را می‌کشیم، رسماً اعلام می‌کنند و این رفتار را انجام می‌دهند؛ اما در ناحیه مقابل و از سوی مبارزان فلسطین، هیچ‌گاه این اتفاق نمی‌افتد و آن‌ها این مواردی که به فضای غیرنظامی اختصاص دارد، نمی‌زنند و نزده‌اند؛ بلکه مواردی در همین جنگ اخیر، مشاهده می‌شود که با وجود تبلیغاتی که صهیونیست‌ها انجام داده‌اند و اظهار کرده‌اند که مبارزان حماس، کودکان را گردن زده‌اند یا زنان را برهنه کرده‌اند، اما عملاً معلوم شد که این اتفاق نیفتاده؛ بلکه نسبت به بچه‌ها و زن‌های ساکن در مناطق اشغالی، رفتار انسانی شده است.

این را به این نکته اضافه کنید که در حوزه جنگ، بحث موضوع‌شناسی نکته مهمی است. اینکه چه کسی نظامی است یا چه کسی غیرنظامی است، نکته مهمی است. در خود فقه ما هم، این تعبیر مورد اشاره قرار گرفته که اگر زن یا کودک با پیرمردی اسلحه به دست بگیرد، او دیگر حکم زن و پیرزن معاف از جنگ را ندارد و طبیعتاً عنوان عدوّ بر آنها صادق شده و باید نسبت به آنها رویکرد دشمنی پیشه کرد.

«**از حیث موضوعی، آیا تفاوتی بین شهروندان رژیم**

«**حملات اخیر منطقه غزه و حماس به سرزمین‌های اشغالی بهانه‌ای برای بحث در خصوص ماهیت رژیم صهیونیستی و سرزمین فلسطین شده است. شما بازگشت این اختلاف را به کجا می‌دانید؟**

● در این خصوص چند نکته قابل طرح است. نکته اول؛ با وجود این‌که کشوری به‌نام اسرائیل در سازمان ملل پذیرفته شده و عملاً کرسی رسمی دارد و بسیاری از کشورهای جهان عملاً این کشور و یا به‌تعبیری آن کشور جعلی را به رسمیت شناختند؛ اما در مقابل، بسیاری از کشورهای اسلامی و بلکه بسیاری از کشورهای جهان آن را به رسمیت نشناخته‌اند و همواره موضع خودشان را هم، رسماً در فقدان مشروعیت اعلام می‌کنند و از آن به رژیم تعبیر می‌کنند و نه کشور.

«**اساساً یک کشور مشروعیت و رسمیتش را از چه**

ناحیه‌ای تضمین می‌کند؟

● این پرسش کلیدی و مهمی است که اگر تعدادی از کشورها که ترجیحاً در جبهه نظام سلطه قرار دارند و نسبت به این کشور ذی‌نفع هستند، یک کشوری را به رسمیت شناختند، آیا یک کشوری رسمی می‌شود؟ یا رسمیت یک کشور در گروی معیارهای پیشینی است که اگر آن معیارها محقق نشود، اگر همه مردم هم، آن را به رسمیت بشناسند، باز هم رسمیت نخواهد داشت؛ مثل این‌که کذب همیشه کذب است؛ ولو همه مردم تلقی کنند که او راست است. غصب همیشه غصب است؛ ولو دیگران از آن صرف نظر کنند.

بر این اساس، در مورد اسرائیل با رژیمی مواجهیم که پایه آن بر غصب است و اصالت ندارد؛ نظامی که شهروندان امروز آن، مهاجرین کشورهای دیگر هستند و شهروندان اصلی آن کشور را به بیرون رانند، از بین بردند و تبعید کردند و سرزمین آن‌ها را غصب کردند و حتی بر اساس معیارهای بین‌المللی نظام سلطه که شهرک‌سازی‌ها و توسعه آن‌ها را ممنوع کرده است، باز هم همچنان بر این منطق اصرار دارد؛ لذا این رژیم فارغ از این‌که توسط برخی به رسمیت شناخته شده باشد، چون ملاک رسمیت‌بخشی ندارد، هرچه زمان بر او بگذرد، به رسمیت منجر نمی‌شود.

غصب همیشه غصب است؛ ولو ۱۰۰ سال بر او بگذرد. در قولنامه‌ها و قراردادها اگر نگاه کنند که یک سند پیشینی وجود دارد که این سند، فرضاً منزلی وقفی است و کسی در اینجا زندگی می‌کند، حتماً سند پیشین مقدم است و آن سند پیشین که متعلق به صاحبان خودش است، حکم بر این می‌کند که نفر بعدی که نشسته، غاصب است؛ ولو سند هم داشته باشد یا در خصوص آن، سندسازی شده باشد؛ لذا حضور و حاکمیت رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین، حکم غصب را دارد و غصب هم، هیچ‌گاه رسمیت پیدا نمی‌کند؛ ولو این‌که دیگران به‌عنوان یک کشور رسمی از آن یاد کنند.

«**برخورد امروز فلسطینیان با مسئله اسرائیل چگونه باید باشد؟**

● کسانی که کشورشان غصب شده، نمی‌توانند نسبت به این قضیه بی‌تفاوت باشند و عملاً باید به حق خودشان برسند. تعبایر متعددی در قرآن نسبت به این قضیه وجود دارد که از آن جمله می‌توان، به آیه ناظر به مردم مکه اشاره کرد: ﴿اَخْرَجُوْهُمْ مِنْ حَیْثُ اَخْرَجُوْكُمْ﴾، آن‌ها شما را اخراج کردند؛ طبیعتاً شما باید به جای خودتان برگردید. اگر کسی شما را از منزلتان اخراج کرده است، در قبال آن، حکم اخراج است.

۳۰ آبان آخرین مهلت ارسال آثار به نهمین کنگره علامه بلادی بوشهری ﷺ

دبیر نهمین کنگره علمی پژوهشی علامه بلادی بوشهری ﷺ، مهلت ارسال آثار به دبیرخانه این کنگره را تا پایان آبان‌ماه سال جاری اعلام کرد و گفت: طلاب، اساتید و دانشجویان می‌توانند، آثار خود را در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله علمی به دبیرخانه کنگره ارسال کنند.

به گزارش خبرگزاری حوزه از بوشهر، حجت‌الاسلام یوسف جمالی، دبیر نهمین کنگره علمی پژوهشی علامه بلادی بوشهری ﷺ، ۲ آبان در جلسه مدیران مدارس علمیه استان بوشهر، با اشاره به نقش این کنگره در ارتقای سطح علمی طلاب و شناساندن علمای بلاد به جامعه، اظهار کرد: تاکنون هشت دوره کنگره علمی پژوهشی علامه بلادی بوشهری ﷺ در استان برگزار شده و امسال نیز، بر اساس برنامه‌ریزی‌های به‌عمل‌آمده، نهمین دوره آن برگزار می‌شود.

وی با اشاره به جزئیات برگزاری نهمین دوره کنگره علمی پژوهشی علامه بلادی بوشهری ﷺ، گفت: این کنگره روز ۱۳ آذر مصادف با سالروز شهادت شهید حجت‌الاسلام عاشوری و روز روحانیت در مصلاّی جمعه برگزار خواهد شد.

دبیر نهمین کنگره علمی پژوهشی علامه بلادی بوشهری ﷺ، با بیان اینکه طی هشت دوره، آثار به‌لحاظ کمی و کیفی مطلوب و رضایت‌بخش بوده است، اظهار کرد: در تالشییم که امسال آثار برگزیده در مقاله علمی ISC چاپ شود که این موضوع، به اعتبار مقالات می‌افزاید.

حجت‌الاسلام جمالی، در ادامه به برخی تغییرات در برگزاری نهمین دوره کنگره علمی پژوهشی علامه بلادی بوشهری ﷺ نسبت به سال‌های گذشته اشاره کرد و یادآور شد: قرار است در این دوره، پیش‌داوری مقالات همچون جلسه دفاع پایان‌نامه‌ها در مدارس علمیه هر شهرستان انجام گیرد و پس از ارزیابی و تجلیل از آنها، آثار برتر هر شهرستان به‌مرحله استانی راه پیدا می‌کنند و برترین‌های استان نیز، در مراسم اختتامیه روز ۱۳ آذرماه مورد تجلیل قرار خواهند گرفت.

حجت‌الاسلام جمالی اظهار کرد: توجه به شعار سال در موضوعات کنگره و نیز محور مقاومت، یکی از مسائل مهمی است که در نهمین دوره کنگره علامه بلادی بوشهری ﷺ دیده شده است.

وی مهلت ارسال آثار به دبیرخانه نهمین کنگره علامه بلادی بوشهری ﷺ را تا ۳۰ آبان‌ماه سال جاری اعلام کرد و گفت: طلاب، اساتید و دانشجویان، می‌توانند، آثار خود را در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله علمی به دبیرخانه کنگره ارسال کنند.

تأمید پذیرش مقالات همایش ذوالجناحین

فراخوان مقالات همایش بین‌المللی ذوالجناحین تا پایان آبان ۱۴۰۲ تمدید شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، بر اساس درخواست‌های مکرر و استقبال محققان و مراکز علمی، دبیرخانه این همایش واقع در مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی، موافقت خود را با تمدید فرصت برای ارائه مقالات و آثار توسط نویسندگان و پژوهشگران به همایش اعلام نمود و صاحبان قلم می‌توانند، مقالات خود را تا پایان آبان‌ماه ۱۴۰۲، در سایت همایش ثبت یا به دبیرخانه همایش ارسال نمایند.

بر پایه همین گزارش، این همایش در ۹ محور؛ «زیست‌نامه، قرآن و حدیث، تاریخ، منابع شیعه و اهل سنت، دیدگاه‌ها در مورد جعفر، نماز جعفر، اماکن جغرافیایی مرتبط با جعفر، جغرفیان در تاریخ (نسل ایشان) و جعفر در ادبیات هنر و رسانه» پذیرش مقاله دارد. مقالات پذیرفته‌شده در این همایش قرار است، در نشریات علمی و تخصصی چاپ و منتشر شوند و علاوه بر ارائه گواهی‌نامه بین‌المللی، جوایزی نیز به منتخبین همایش در روز اختتامیه اهدا خواهد شد.

گفتنی است، زمان برگزاری همایش، پنج‌شنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ در سالن قدس مجتمع جامع امام خمینی ﷺ در قم است و علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و ارسال آثار خود، می‌توانند مقالات خود را به پست الکترونیکی Afaqmehr@gmail.com یا به شبکه اجتماعی به نشانی eitaat.com/Hoseini.shams ارسال کنند.

تأمید مهلت ارسال آثار به نخستین همایش ملی زن، خانواده، امنیت

مدیر اجرایی همایش «زن، خانواده، امنیت» از تمدید مهلت ارسال آثار به نخستین همایش ملی زن، خانواده، امنیت خبر داد. طاهره حیاتی در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، از تمدید مهلت ارسال آثار به نخستین همایش ملی زن، خانواده، امنیت خبر داد و عنوان کرد: به اطلاع تمامی پژوهشگران گرامی می‌رساند، مهلت ارسال مقاله در نخستین همایش ملی زن، خانواده، امنیت، تا ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۲ تمدید شد.

مدیر اجرایی همایش «زن، خانواده، امنیت» افزود: «زن، خانواده، امنیت دینی و اخلاقی»، «زن، خانواده، امنیت بهداشتی و روانی»، «زن، خانواده، امنیت جنسی و جنسیتی»، «زن، خانواده، امنیت زیست محیطی»، «زن، خانواده، امنیت سیاسی و نظامی»، «زن، خانواده، امنیت اقتصادی و اشتغال»، «زن، خانواده، امنیت حقوقی و قضایی»، «زن، خانواده، امنیت علمی، آموزشی و فرهنگی»، «زن، خانواده، امنیت رسانه‌های جمعی و ارتباطات نوین» و «آینده‌پژوهی زن و خانواده» محورهای این همایش هستند. وی با بیان اینکه مقاله باید به زبان فارسی بوده و ترجمه کتاب و آثار پژوهشی از زبان‌های انگلیسی و عربی در این همایش پذیرفته می‌شود، گفت: مقالات ارسالی باید در یکی از محورهای «هگانه مذکور بوده و پیش از این در همایش یا مجله دیگری چاپ نشده باشد.

حیاتی با اشاره به اینکه آثار باید به نشانی wfs-conference.ir ارسال گردد، اضافه کرد: مقالات ارسالی باید در محیط Word با قلم ۱۴ (Bnazanin) تنظیم و با حجم ۱۵۰ کلمه ارسال گردد. علاقه بر این، ارسال مقاله از طریق سایت رسمی همایش مورد پذیرش است.